

# جُستارهایی از مفهوم تاریخ، تاریخ آموزش و پرورش و تاریخ آموزی

مقاله

● دکتر اقبال قاسمی پویا

## اشاره

تاریخ پژوهی واز آن جمله تاریخ تربیت و تاریخ آموزی، که موضوع این نوشته است، در مقایسه با دیگر رشته‌های علوم انسانی در جهان به‌ویژه در کشور ما، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. مقایسه منابع موجود در رشته‌هایی چون روان‌شناسی و شاخه‌های آن با منابع موجود در باره پژوهش‌های تاریخی به ویژه تاریخ آموزش و پرورش، گواهی روشن بر این سخن است. در این نوشته می‌کوشیم به منظور بررسی وضعیت کنونی تاریخ آموزش و پرورش و چگونگی آموزش یکی از موضوع‌های این رشته، یعنی آموزش تاریخ در مدارس معاصر ایران، نخست مفهوم تاریخ را از دیدگاه‌های متفاوت بررسی کنیم سپس با توجه به نسبت تاریخ به معنی عام با تاریخ آموزش و پرورش وضعیت آموزش تاریخ در مدارس کشور بپردازیم. و در پایان پیشنهادهایی برای کاهش یا رفع کاستی‌ها مطرح کنیم. بی‌گمان پرداختن به این موضوع به صورت بایسته و شایسته نیاز به بررسی‌های گسترده و مداوم دارد، پس تنها به جستارهایی از این موضوع‌ها بسنده می‌کنیم. می‌کوشیم نخست مفهوم تاریخ و اهمیت آن را، هر چند مختصر، از دیدگاه تاریخ پژوهان و تاریخ شناسان توضیح دهیم، چرا که لازم است برای درک بهتر تاریخ در درجه نخست با مفهوم و اهمیت آن آشنا شویم سپس به جنبه‌های دیگر تاریخ از جمله نحوه تدریس و مسائل آن بپردازیم. به نظر نگارنده یکی از کاستی‌های تاریخ پژوهی و تاریخ آموزی در کشور ما برداشت تاریخ‌نگاران و معلمان و استادان تاریخ از مفهوم تاریخ است. تاریخ چیست؟ آیا تاریخ شرح حال کشورگشایان یا فرمان‌فرمایان است؟ یا داستان‌هایی است که برای لذت و سرگرمی خوانندگان تاریخ تهیه شده است؟ ... اگر این‌ها نیست، پس تاریخ چیست؟

## تاریخ چیست؟

برخی تاریخ را تکرار رخداد‌های تصادفی و بی‌فایده به حال بشر دانسته‌اند. برای نمونه، یک متفکر ایتالیایی به نام دلفیکو کتابی تألیف کرده است با عنوان اندیشه‌هایی در باب تاریخ، عدم قطعیت و بی‌فایده‌گی (زرین‌کوب، ۱۳۵۴، ص ۱۵-۱۴) وی در این کتاب خاطر نشان می‌کند که موضوع تاریخ عبارت است از حوادثی که در زمان‌های و مکان‌ها تکرار می‌شوند و همه رخداد‌های آن از طبیعت یک‌سان انسان‌ها ناشی می‌شود.

## زرین کوب خود بر این باور است که تاریخ عین زندگی است و انسان با آن زندگی می‌کند

رنی نیز تاریخ را توضیح رخ داده‌های تصادفی و تکراری می‌داند که چیزی است شبیه رمان و داستان و از ذهن نویسنده آن تراوش می‌کند (همان). زرین کوب با توضیح این قول‌ها خود بر این باور است که تاریخ عین زندگی است و انسان با آن زندگی می‌کند. وی اضافه می‌کند مفهوم تاریخ امروز مفهوم یک زندگی است نه زندگی طبقه یا ملت خاص، بلکه زندگی تمام انسانیت با یکدیگر که پیوند ناگسستنی با یکدیگر دارند و شاید دیگر نتوان عناصر و اجزای آن را از هم جدا کرد (همان، ص ۲۲).

ابن خلدون (۱۰۸۱-۷۳۲ ه.ق / ۱۴۰۶-۱۳۳۲ م) درباره مفهوم تاریخ می‌گوید «تاریخ؛ از فنون متداول در میان همه ملت‌ها و نژادها سخن می‌گوید. تاریخ‌شناس برای نوشتن تاریخ، سفرها و جهانگردی‌ها می‌کند، هم مردم عامی و بی‌نام و نشان به دانستن و شناخت آن علاقه نشان می‌دهد، هم بزرگان و پادشاهان. در فهمیدن آن دانایان و نادانان یکسان‌اند. چه در ظاهر اخباری بیش نیست درباره روزگاریها و دولت‌های پیشین و سرگذشت قرون نخستین، که گفتارها را به آن‌ها می‌آریند و بدان‌ها مثل‌ها می‌زند و انجمن‌های پر جمعیت را به نقل آن‌ها می‌آریند... تاریخ ما را به حال و روزگار آفرینندگان آن آشنا می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه اوضاع و احوال آنان منقلب می‌گردد. دولت‌ها می‌آیند و فرصت جهان‌گشایی می‌یابند و به آبادانی زمین می‌پردازند تا این که ندای کوچ کردن و سپری شدن آنان را در می‌دهند و هنگام زوال و انقراض ایشان فرا می‌رسد» (مقدمه، ص ۲). به نظر ابن خلدون این ظاهر تاریخ است که همه کم و بیش آن را درک می‌کنند چه دانا چه نادان. چرا که موضوعی است توصیفی و گزارشی است از رخ داده‌ها بدون هیچ گونه تفسیر و تحلیل. در این نگاه، ابن خلدون هم تاریخ را رخ داده‌ایی می‌داند که پدید می‌آیند و منقلب و متحول می‌شوند و زوال و انقراض به سراغ آن‌ها می‌آید؛ بسیاری از تاریخ‌شناسان نیز به این اصل تاریخی معتقدند. با این نگاه حکومت‌ها یا دوره‌ها مانا و دایمی نیستند. اما از نظر ابن خلدون افزون بر این جنبه از ظاهر تاریخ، چیزهایی هم در درون و باطن تاریخ وجود دارد که می‌توان به جست‌وجوی آن‌ها پرداخت؛ و اما در باطن، اندیشه و تحقیق درباره حوادث و مبادی آن‌ها و جست‌وجوی دقیق برای یافتن علل آن‌هاست، علمی است درباره کیفیت وقایع و موجبات و علل حقیقی آن‌ها. و به همین سبب تاریخ از حکمت سرچشمه می‌گیرد و سزااست که از دانش‌های آن شمرده شود (همان، ص ۲). در این استدلال چند نکته بسیار مهم و شایسته توجه و ژرف‌اندیشی وجود دارد:

افزون بر ظاهر تاریخ که فهم آن برای دانا و نادان یکی است، تاریخ باطنی نیز دارد. باید در رخ داده‌ها ژرف‌اندیشی و پژوهش کرد تا علل آن‌ها را دریافت. این یکی از عهده همه بر نمی‌آید. تاریخ پژوه دانا و ژرف‌اندیش است که می‌تواند به مدد دانش

قرآن، مطالعه و  
تعمیق در تاریخ را  
قویاً تأکید می‌کند.  
در اصطلاح قرآن  
سیر و گردش  
در زمین  
به معنای  
مطالعه تاریخ  
به کار رفته است

و بینشی که دارد از درون ظاهر تاریخ، به دانش و بینش ژرف پی ببرد. این یکی از نگاه‌های علمی و واقع‌گرایانه ابن‌خلدون است که به تاریخ با نگاه علی و تحلیلی می‌نگرد و رخداد‌های تاریخی را رفتارهای تصادفی و بدون علت نمی‌داند. وی به نیکی آگاه بوده است که گزارش‌های تاریخی از نظر اعتبار و راست‌گویی و واقع‌گرایی، یک‌سان نیستند.

## فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن

از دیدگاه قرآن همه جهان خلقت روبه سوی او دارند. نهایت و غایت همه چیز خدا است که موجودی نامحدود است. همه جهان خلقت و از جمله جامعه بشری رو به سوی وحدت دارند و این به معنای حرکت توحیدی است. زندگی را در حقیقت پایانی نیست اما غایت آن مشخص است بی‌آنکه بدان برسند یعنی جریان حیات متوقف نمی‌شود. از نظر قرآن حوادث تاریخی قصه‌گویی نیست بلکه وقتی هم در آن قصه گفته می‌شود هدف عبرت است و وادار کردن مردم به تفکر در قوانین و سنت‌های حاکم بر تحولات اجتماعی است. قرآن، مطالعه و تعمق در تاریخ را قویاً تأکید می‌کند. در اصطلاح قرآن سیر و گردش در زمین به معنای مطالعه تاریخ به کار رفته است: پس در زمین گردش کنید (به مطالعه بپردازید) پس بنگرید عاقبت و سیر انجام کسانی که (پیام ما را) تکذیب می‌کردند چگونه شدند (سوره نحل آیه ۳۶). در قرآن در بسیاری از سوره‌ها سرگذشت پیامبران و ملت‌های پیشین پرداخته شده است در قرآن تجربه پیشینیان از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند به پیامبران فرمان می‌دهد تا در راه اعتلای کلمه توحید و رستگاری و هدایت بندگان از تاریخ استفاده کند (خبرگزاری فارس، گروه دیدگاه / حوزه حکمت و فلسفه. تاریخ از منظر قرآن و فلاسفه. ۱/۰۵/۱۳۹۲).

## تاریخ از نظر مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸ ش).

شهید مطهری نظر خود را درباره تاریخ در کتاب «جامعه و تاریخ» بیان داشته است (بی‌تا). در پیش‌گفتار این کتاب آورده است: «نوع شناخت یک مکتب از جامعه و از تاریخ و طرز برداشت آن از این دو، نقش تعیین‌کننده در ایدئولوژی آن مکتب دارد. از این‌روی، ضرورت دارد در متن جهان‌بینی اسلامی، طرز نگرش اسلام به جامعه و به تاریخ روشن گردد. در فصل مربوط به تاریخ چیست؟» تاریخ را سه‌گونه تعریف می‌کند. خلاصه آن این است:

۱. تاریخ نقلی. تاریخ به معنای علم به وقایع و حوادث و احوال انسان‌ها در گذشته، در مقابل اوضاع و احوالی که در زمان حال وجود دارد. معتقد است هر رخدادی که از جریان یا حادثه روز بگذرد، جزو تاریخ می‌شود. پس علم تاریخ در

مورخ در  
داوری‌هایش  
مانند قاضی  
از روی پرونده‌ها  
داوری می‌کند  
نه بر اساس  
شهود عینی

این معنی، یعنی علم به وقایع و حوادث سپری شده و اوضاع و احوال گذشتگان است. علم در این معنی اولاً جزئی، یعنی علم به یک سلسله امور شخصی و فردی است نه علم به کلیات و یک سلسله قواعد و ضوابط و روابط. ثانیاً، یک علم «نقلی» است نه عقلی. ثالثاً، علم به بودن «ها» است نه علم به «شدن»‌ها. رابعاً، به گذشته تعلق دارد نه به حاضر؛ ما این نوع تاریخ را «تاریخ نقلی» می‌دانیم.

۲. تاریخ به معنی علم. به قواعد و سنن حاکم بر زندگی‌های گذشته که از مطالعه و بررسی و تحلیل حوادث و وقایع گذشته به دست می‌آید، توجه دارد. حوادث و وقایع، یعنی محتوا و مبادی تاریخ نقلی مقدمات این علم به‌شمار می‌رود. این رخدادها برای تاریخ‌شناس مانند مواد اولیه برای پژوهش‌گر آزمایشگاهی است که به مدد آن به یافته‌هایی دست می‌یابد و آن‌ها را تحلیل کرده و خاصیت آن‌ها را کشف کرده و به روابط علت و معلولی پی می‌برد و نتیجه می‌گیرد. مورخ به معنی دوم در پی کشف حقیقت تاریخی و روابط علی و معلولی آن‌هاست تا به یک سلسله قواعد و ضوابط عمومی و قابل تعمیم به همه موارد مشابه حال و گذشته دست یابد. ما تاریخ به این معنی را «تاریخ علمی» اصطلاح می‌کنیم. هرچند موضوع تاریخ به گذشته مربوط است اما استنباطی که می‌کند به حال و آینده است. این جهت تاریخ را بسیار سودمند می‌گرداند و آن را به‌صورت یکی از منابع «معرفت» (شناخت) انسانی در می‌آورد و او را بر آینده‌اش مسلط می‌کند. تفاوت تاریخ پژوه با پژوهش‌گر تجربی محض و آزمایشگاهی در این است که مواد اولیه علم طبیعی یا آزمایشگاهی یک سلسله مواد حاضر و عینی است و در نتیجه بررسی‌ها و تحلیل‌هایش نیز عینی و تجربی است؛ اما مواد مورد بررسی مورخ در گذشته وجود داشته و اکنون وجود ندارد. تنها اطلاعاتی از آن‌ها و پرونده‌ای از آن‌ها در اختیار وی است. مورخ در داوری‌هایش مانند قاضی از روی پرونده‌ها داوری می‌کند نه بر اساس شهود عینی. از این‌رو تحلیل مورخ تحلیلی منطقی و عقلانی و ذهنی است نه تحلیل خارجی و عینی. مورخ تحلیل‌هایش را در آزمایشگاه عقل با ابزار استدلال و قیاس انجام می‌دهد از این نظر کار مورخ به کار فیلسوف شبیه‌تر است تا کار عالم طبیعی. یعنی کلی است نه جزئی و عقلی است نه نقلی. تاریخ علمی، بخشی از جامعه‌شناسی است یعنی جامعه‌شناسی جامعه‌های گذشته است. اعم است بر جامعه‌شناسی معاصر.

۳. فلسفه تاریخ؛ یعنی علم به تحولات و تطورات جامعه‌ها از مرحله‌ای به مرحله دیگر و قوانین حاکم بر این تطورات و تحولات. به عبارت دیگر: علم به «شدن» جامعه‌ها نه «بودن» آن‌ها. سپس مفهوم «بودن» و «شدن» را تحلیل می‌کند و این‌که این‌ها مفهومی متناقض هستند یا نه را مورد بحث قرار می‌دهد. ر.ک

جامعه به حکم  
این که موجود زنده  
است دو گونه  
قوانین دارد:  
قوانین زیستی  
و قوانین تکاملی

(مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۶۳-۶۰) نتیجه می‌گیرد که عین تکامل نوع‌ها در حیات زیستی، جامعه هم تکامل حاصل می‌کند. جامعه نیز به حکم این که موجود زنده است دو گونه قوانین دارد: قوانین زیستی و قوانین تکاملی.

آنچه به علل تمدن‌ها و علل انحطاط آن‌ها و شرایط حیات اجتماعی و قوانین کلی حاکم بر همه جامعه‌ها در همه اطوار و تحولات مربوط می‌شود ما آن‌ها را قوانین «بودن» جامعه‌ها اصطلاح می‌کنیم و آنچه به علل ارتقاء جامعه‌ها از دوره‌ای به دوره‌ای و از نظامی به نظامی مربوط می‌شود ما آن‌ها را به «شدن» جامعه اصطلاح می‌کنیم... پس علم تاریخ در معنی سوم، علم تکامل جامعه‌هاست از مرحله‌ای به مرحله‌ای، ما برای این که مسائل با مسائلی که آن‌ها را تاریخ علمی نامیدیم اشتباه نشود، این‌ها را «فلسفه تاریخ» اصطلاح می‌کنیم که گاهی میان این دو تفکیک قائل نمی‌شوند و سبب اشتباهاتی می‌شوند. به نظر مطهری، فلسفه تاریخ نیز به کلی‌ها می‌پردازد و عقلی است نه نقلی و تفاوت آن با تاریخ علمی این است که تنها به «بودن»ها نمی‌پردازد بلکه به «شدن»ها توجه دارد؛ از این روی ماهیت آن به این نیست که تنها به گذشته می‌پردازد، بلکه ماهیت آن در این است که علم به جریان است که از گذشته آغاز شده و ادامه دارد و تا آینده کشیده می‌شود. سرانجام نتیجه می‌گیرد که هر سه معنی تاریخ سودمند است. اما بستگی به این دارد که شرح حال چه کسان و رخ دادهایی باشد و چه نکاتی از آن استخراج شود. سرانجام این که تاریخ مانند فیلم زنده‌ای است که گذشته را تبدیل به حال می‌نماید؛ از این روی قرآن کریم نکات سودمندی از زندگی افرادی که صلاحیت دارند «الگو» و «اسوه» باشد، مطرح می‌کند و احياناً تصریح می‌کند که آن‌ها را اسوه قرار دهید. (همان، ۶۵-۶۴). چند نکته در دیدگاه شهید مطهری به تاریخ و فلسفه آن بر جسته و مهم است:

«تفاوت تاریخ نقلی و تاریخ عقلی یا علمی. تفاوت تاریخ علمی با فلسفه تاریخ. تحلیلی بودن تاریخ علمی و فلسفی. قانون‌مند و تکاملی بودن حرکت‌های تاریخی. زنده بودن جامعه و تبعیت از قواعد و قوانین ویژه خود. توجه به جزئیات و کلیات هر دو. علی دانستن حرکت‌های تاریخی. تعمیم پذیر بودن قوانین تاریخ و جامعه شناسی. تاریخ همانا جامعه‌شناسی گذشتگان است. قوانین تاریخی کشف شدنی است مانند کار عالم طبیعی. در تاریخ داوری وجود دارد. داور تاریخی مانند قاضی بر مبنای داده‌ها و شواهد و پرونده‌های موجود قضاوت می‌کند. از این روی داده‌ها و شواهد در تاریخ بسیار مهم است. روش تحقیق تاریخی مانند روش تحقق کیفی است. کسان دیگری نیز از مفهوم و معنی تاریخ سخن گفته‌اند که به منظور دوری از سخن از بیان آن‌ها می‌گذریم. برای آگاهی بیشتر از محتوای آن‌ها، می‌توانید به منابع این مقاله مراجعه کنید.»

## آیا تاریخ و مطالعه و تدریس آن فایده ای دارد؟

بسیاری از اندیشه‌گران علوم اجتماعی و تاریخ پژوهان، تاریخ را یکی از ضرورت‌های زندگی دانسته‌اند و از دیدگاه‌های گوناگون آن را کاویده‌اند. تاریخ را عین زندگی و سودمند به اکنون بشر و برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌های اکنونی دانسته‌اند. زرین کوب (همان) فصل نخست کتاب «تاریخ در ترازو» را به فایده تاریخ اختصاص داده است. دیگران نیز در اهمیت تاریخ‌نگاری و تاریخ‌پژوهی و مطالعه و تدریس تاریخ، سخن‌ها گفته و استدلال‌ها کرده‌اند. گرچه این موضوع خود نوشته جداگانه‌ای می‌طلبد، می‌کوشیم هرچند مختصر به برخی از آن استدلال‌ها اشاره کنیم.

کسانی که گذشته خویش را به یاد نمی‌آورند، محکوم به تکرار اشتباهاتشان هستند

- «کسانی که قادر به یادآوری گذشته نیستند، محکوم به تکرار آنند»، این سخن نقل قولیست از گئورگ یا جرج سانتایانا (George Santayana, 1863-1952) فیلسوف، شاعر و رمان نویس اسپانیایی آمریکایی که تعبیر گوناگونی از آن به کسانی که از یادگیری تاریخ پرهیز دارند، یادآوری می‌شود.
- کسانی که قادر به یادآوری تاریخ نیستند، محکوم به تکرار آنند.
- کسانی که گذشته خویش را به یاد نمی‌آورند، محکوم به تکرار اشتباهاتشان هستند.
- کسانی که تاریخ نمی‌خوانند، محکوم به تکرار آنند.
- کسانی که قادر به درس گرفتن از اشتباهات گذشتگان‌شان نیستند، مجبور به تکرار همان اشتباهات هستند.
- کسانی که اشتباهات تاریخ را نمی‌دانند، محکوم به تکرار آنها هستند. (به نقل از: شیفته مستوفیان؛ سوزان حبیب، ۱۳۹۷).

هردر (Herder) تاریخ را تعلیم و تربیت نوع بشر می‌شمارد. کانت تکامل اندیشه آزادی را از آن فهم می‌کند. شوپن هوئر می‌گوید که ملت تنها به مدد تاریخ به خود می‌آید. اشتاین (Stein) معتقد است که تاریخ وسیله میهن‌دوستی می‌شود... (آریان‌پور، همان، ص ۱۰۸).

زرین کوب که به تفصیل از فایده تاریخ سخن گفته است معتقد است تاریخ جزو زندگی انسان‌هاست اقوام وحشی از گذشته خویش خبر ندارند. از نظر وی تاریخ انسان را از بسیاری فریب‌های حقارت‌آمیز از دل خوشی‌های بی‌حاصل نگه می‌دارد و نگاه انسان را، آن مایه قدرت را، تعمق می‌بخشد که ورای حوادث، آن‌جا که چشم عادی چیزی نمی‌بیند نفوذ می‌کند. بدین گونه با آگاهی از وضعیت گذشتگان می‌کوشد از تکرار آن‌ها در حال حاضر دوری کند. از نظر وی تاریخ مانند روان‌شناسی برای همه اهل حرفه‌ها لازم است، و اشاره می‌کند که بسیاری از شکست‌های تاریخی افراد در حوادث اجتماعی ناآگاهی آنان از تاریخ است. و «شکست یک مأموریت» سفیر بریتانیا در جنگ جهانی دوم را نمونه

بصیرت، چون  
شهابی است که  
اهریمن باطل را  
می‌راند

می‌آورد که به دلیل بی‌اطلاعی وی از تاریخ و حوادث آلمان بود (همان، ص ۱۸ - ۱۹). از دیگر فواید تاریخ به لذت‌انگیزی آن اشاره می‌کند «...از فواید تاریخ، لذت‌انگیزی آنست و ابوالحسن بیهقی از روی دقت و تجربه به ما می‌گوید علم تاریخ علمی لذیذست» (همان).

## نقد تاریخ پژوهی

بسیاری از تاریخ‌پژوهان ضمن بررسی‌های تاریخی به برخی تاریخ‌نگاری‌ها خرده گرفته و آورده‌اند که هر تاریخ نوشته شده‌ای تاریخ نیست و نه تنها این نوع تاریخ‌ها سودی برای خواننده ندارد بلکه ناسودمند هم هست. از نمونه این منتقدان ابن‌خلدون است که گفته است در تاریخ‌نویسی باید مورخ دور از تعصب‌ها و عصبیت‌ها، با عقلانیت و واقع‌گرایانه تاریخ‌پژوهی کند. وی پس از نقد برخی از تاریخ‌های موجود و بیان این‌که روش‌های تحقیق اندک و به‌نظر تنقیح اغلب کند و خسته است، آورده است که: «غلط و گمان را آن‌چنان با تاریخ در آمیخته‌اند که گویی به منزله خویشاوندان و باران اخبارند. تقلید در رگ و پیوند آدمیان ریشه دوانیده و میدان طفیلی‌گری و ریزه‌خواری در فنون، بسیار پهناور شده است و چراگاه نادانی در میان مردم زهرناک است». سپس به بصیرت در تاریخ اشاره کرده و گفته است که: «بصیرت چون شهابی است که اهریمن باطل را می‌راند اما در برابر سلطنت حق پایداری نتوان کرد». از نظر وی اگر تاریخ پژوه بصیرت داشته باشد می‌تواند اخبار را انتقاد کند و صحیح را برگزیند و به نیروی دانش می‌توان صفحات صواب را روشن و تابناک ساخت (همان، ص ۳).

## بی‌خردی‌های تاریخ‌نویسان و عواقب آن

ابن‌خلدون ضمن پرداختن به فضیلت دانش تاریخ و تحقیق و روش‌های آن به اوهام و اشتباه‌های فاحش تاریخ‌نگاران اشاره می‌کند که هیچ‌کدام از آن‌سخنان با عقل سلیم هماهنگی ندارد و دور از عقل سلیم است. از این نمونه است بیان اغراق‌آمیز شمار لشگریان یا کشته‌ها و غیره در بیان جنگ‌ها که سراپا نادرست و شبیه افسانه و خیال‌پردازی و خرافات است. (مقدمه، ص ۲۴-۱۴).

شاید بتوان گفت یکی از دلایل دیگر کم‌توجهی به مطالب تاریخی واقع بینانه نبودن مطالب تاریخی و گاه افسانه‌سازی‌ها در آن است. ابن‌خلدون شیوه‌های تاریخ‌نگاری در بلاد اسلامی را مورد نقد قرار می‌دهد و چند نکته مهم و آموختنی در این استدلال‌های او وجود دارد. نخست نقد تقلید کورانه از نوشته‌های دیگران است. نا توانی در تحلیل و تفسیر تنها به علم تاریخ محدود نمی‌شود، بلکه در پژوهش‌های نیمه تجربی علوم انسانی و رفتاری نیز این کاستی به‌شدت احساس می‌شود. بسیاری از پژوهش‌گران صدها صفحه به‌عنوان گزارش تحقیق ارائه می‌کنند که همه توصیفی و نقل داده‌ها است،

که در بسیاری موارد داده‌ها هم از اعتبار کافی برخوردار نیستند اما بیشترشان فاقد تحلیل درستی از داده‌ها روخداهای مورد پژوهش هستند.

## نیرنگ‌ها در تاریخ

ابن‌خلدون پس از توضیح علمی مفهوم تاریخ و توجه به دو رویه ظاهر و باطن تاریخ، از نیرنگ ریزه‌خواران در تاریخ سخن به میان می‌آورد و یادآور می‌شود که نیرنگ‌بازان به جعل تاریخ پرداخته ایجاد توهم می‌کنند «مورخان بزرگ اسلام به‌طور جامع اخبار روزگار گذشته را گرد آورده و آن‌ها را در صفحات تواریخ نگاشته و به یادگار گذاشته‌اند، ولی ریزه‌خواران، آن اخبار را به نیرنگ‌های باطل در آمیخته و در مورد آن اخبار و در مورد آن‌ها یا دچار توهم شده یا به جعل پرداخته‌اند و روایات زراندود ضعیفی تلفیق کرده و ساخته‌اند و بسیاری از آیندگان ایشان را پیروی کرده و هم‌چنان که آن اخبار را شنیده‌اند برای ما به‌جا گذاشته‌اند، بی آن‌که به موجبات و علل وقایع و احوال در نگرند و اخبار یاه و ترهات را فروگذارند» (همان، ص ۳).

## علت‌ها و ریشه‌های کاستی‌های تاریخ پژوهی

علل برخی از این کاستی‌ها به نوع نظام آموزش عمومی و آموزش عالی و دیدگاه و بینش تاریخ‌پژوهان و تاریخ‌نگاران ما بر می‌گردد. این که در مدارس ما به حفظیات توجه می‌شود و نه تحلیل و نقادی و طرح مسئله و جز این‌ها، موضوعی است که ترجیح‌بند بیشتر نوشته‌های امروز تحلیل‌گران آموزشی شده است. دانش‌آموزان ما چیزی را نقد نمی‌کنند تا در بزرگسالی بتوانند مطالب علمی را هم نقد کنند.

## برخی از آموزه‌های تاریخی:

- تاریخ مانند دیگر رشته‌های علوم انسانی بر مبنای یک اندیشه و فلسفه نوشته می‌شود. بی‌گمان این اندیشه‌ها متفاوت و گوناگون هستند.
- تاریخ نوعی موضوع علمی است. از این‌رو دارای هدف و روش و منطق و قوانین خاص خود است. بحث تکرار در تاریخ یا باورمند نبودن به آن دور از اندیشه علمی و خردورزی است.
- تاریخ تنها توصیف رخدادها نیست، بلکه تبیین و تحلیل رخدادها نیز هست. تاریخ لازم است علاوه بر رخ دادها به چرایی‌های آن‌ها نیز پاسخ گوید. بی‌گمان این پاسخگویی بر مبنای یک فلسفه و اندیشه‌ای خواهد بود. به این سبب است که برخی معتقدند تاریخ چیزی نیست جز انتخاب‌ها و اندیشه‌های مورخ که

تاریخ مانند دیگر رشته‌های علوم انسانی بر مبنای یک اندیشه و فلسفه نوشته می‌شود. بی‌گمان این اندیشه‌ها متفاوت و گوناگون هستند

فرهنگ‌ها  
نتیجه کوشش‌های  
انسان‌هایی است که  
برای رفع  
نیازهای خود،  
چه نیازهای مادی  
چه معنوی،  
در ساختن آن  
کوشیده‌اند

البته بسیاری از اندیشه‌ورزان تاریخ با این تفکر مخالفند.

- تاریخ پر از آموزه‌ها و عبرت است. بزرگ‌ترین آموزگار انسان‌ها از گذشته‌های دور تا کنون است.
- گاهی واقعیت‌های تاریخی تحریف و جعل شده است. ابن‌خلدون از آنان به‌عنوان نیرنگ‌بازان ریزه‌خوار نام برده است.
- ضرورت دارد نوشته‌های تاریخی همواره مورد نقد و بررسی قرار گیرد و در نوشته‌های موجود تاریخی با توجه به اسناد و یافته‌های نو بازنگری شود.

گاهی اوهام و خرافه‌ها بر نوشته‌های تاریخی سایه می‌افکند. باید کوشید به مدد نقد و واقع‌گرایی این خرافات و اوهام را از تاریخ‌ها زدود. گفته‌اند تعصب سد راه تعقل است. لازم است به مدد نقد و خردورزی این تعصبات و خیال‌بافی‌ها را نیز از نوشته‌های تاریخی پاک کرد.

با توجه به آنچه درباره مفهوم تاریخ و «تاریخ چیست؟» و ابعاد آن توضیح داده شد حال می‌خواهیم ببینیم تاریخ آموزش و پرورش چیست و این رشته در ایران چه وضعیتی دارد.

## تاریخ آموزش و پرورش: تاریخ تحولات اجتماعی و فرهنگی

تاریخ آموزش و پرورش یکی از رشته‌های مهم در پژوهش‌های تربیتی است. مطالبی که به عنوان جستارهایی از تاریخ بیان شد پیش‌زمینه‌ای است برای تاریخ آموزش و پرورش در جهان و ایران. این موضوع خود به تنهایی مستلزم مقاله‌های مستقل است. به جستارهایی از آن اشاره می‌کنیم امیدواریم در مقاله‌های بعدی بتوانیم به تفصیل و با ژرفای بیشتر به این موضوع بپردازیم.

همان‌گونه که هر علمی فلسفه و تاریخی دارد، تربیت نیز فلسفه و تاریخی دارد. دیرینگی تاریخ تربیت به آغاز تمدن‌ها و فرهنگ‌های باستان برمی‌گردد؛ یعنی از آن‌زمان که انسان‌ها به یک جانشینی و تولید و ساختن خوی گرفتند. فرهنگ‌ها نتیجه کوشش‌های انسان‌هایی است که برای رفع نیازهای خود، چه نیازهای مادی چه معنوی، در ساختن آن کوشیده‌اند. در این میان تربیت نقش بنیادین داشته است. بنابراین، از جهتی می‌توان گفت، تاریخ یعنی چگونگی تربیت انسان‌ها. همان‌گونه که اشاره شد، برخی از تاریخ‌پژوهان، تاریخ را مترادف با تربیت انسان‌ها دانسته‌اند. از این نمونه است هردر (یوهان گوتفرید فون هردر) به آلمانی: (Johan Gottfried von Herder)، زاده ۲۵ اوت ۱۷۴۴م، وفات ۱۸ دسامبر ۱۸۰۳م، از اندیشه‌گران اثرگذار و نظریه‌پرداز عصر روشنگری. اگر بخواهیم تاریخ کامل تربیت در جهان و در رأس آن تاریخ تربیت در ایران را بررسی کنیم

## تربیت یک امر اجتماعی است. اجتماع مقدم بر فرهنگ و فرهنگ به معنی دست‌آوردهای مادی و معنوی انسان‌هاست

بی‌گمان باید تاریخ تربیت از دوران باستان به این‌سوی را مورد توجه قرار دهیم و برای این موضوع لازم است تاریخ اجتماعی این جوامع را بررسی کنیم. چرا که تربیت یک امر اجتماعی است. اجتماع مقدم بر فرهنگ است و فرهنگ به معنی دست‌آوردهای مادی و معنوی انسان‌ها و نتیجه فعالیت‌های اجتماعی است. هر چه به گذشته‌های دور برگردیم تربیت رنگ و خوی قومی به‌خود می‌گیرد. به گفته غلامحسین صدیقی نوری (زاده ۱۲ آذر ۱۲۸۴ در تهران، درگذشته ۱۳۷۱ در تهران)، «من افتخار شاگردی ایشان را در دوره دکترای تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش داشتم.» در یونان قدیم منظور از تربیت تا حدی یونانی ساختن و در روم، رومی ساختن بود. این برای آن بود که فیلسوفان و پرورشکاران به تأثیر جامعه بیشتر آگاهی پیدا کنند. اگر این مطالعه را به جامعه‌های دیگر هم بکشانیم همین نتیجه را می‌گیریم. فی‌المثل در ایران باستان پرورش و آموزش (استاد صدیقی به عمد و با هدف در بحث تربیت و پرورش را مقدم بر آموزش به کار می‌بردند). متناسب مقتضیات زمان و مکان بوده و در قرون وسطی نیز تربیت و تعلیم خاص آن قرن وجود داشته است. در یونان و روم پرورش تن با کم و بیش قوت و ضعف با روش عقلانی همراه بوده است. در قرون وسطی تن‌گشی و ریاضت و در عصر نهضت ادبی و هنری و علمی، بشر دوستی و در قرن هفدهم تربیت ادبی و در قرن هجدهم تربیت سیاسی اهمیت داشته و در عصر ما بیشتر تربیت علمی منظور نظر است. اگر منظور و غایت و پایه تربیت و تعلیم در عصرهای مختلف متفاوت می‌شود، بدین جهت است که تعلیم و تربیت می‌خواهد افراد را همسان جامعه کند یعنی آن‌ها را به‌نحوی بسازد که با ابنا نوع خودشان در جامعه معین تا حدی همسان و هماهنگ باشند، (از یادداشت‌های غلامعلی سرمد، در کلاس درس استاد غلامحسین صدیقی دوره دکترای تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش. درس رابطه تربیت و تعلیم با تحولات اجتماعی و فرهنگی در ایران. دانشگاه تهران. نیم سال دوم. ۱۳۵۵-۱۳۵۴). این دست‌نویس‌ها همراه با دست‌نویس‌های مربوط به وضعیت تربیت در دوره بعد از اسلام پیش‌نگازنده این سطور است).

اگر بپذیریم که فرهنگ هم نتیجه کنش‌های اجتماعی در طول تاریخ است، نزدیکی مفهوم تربیت با فرهنگ بیشتر مشخص می‌شود. بی‌سبب نیست که نام پیشین وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ بود و امروز کارکنان آموزش و پرورش را فرهنگیان می‌نامیم و ما معلمان درس‌گفتن از خود، واژه فرهنگی به کار می‌بریم. گفتنی است نخستین کتابی هم که درباره تاریخ آموزش و پرورش ایران در سال ۱۳۴۲ش، توسط عیسی صدیق نوشته شد، عنوان‌اش تاریخ فرهنگ بود. پس، می‌توان گفت که تاریخ آموزش و پرورش از جهتی مطالعه وضعیت فرهنگ و تربیت در جامعه‌های مورد مطالعه است. یعنی نوعی مطالعه جامعه‌شناسی پرورشی تاریخی است.

تاریخ پژوهان  
تعلیم و تربیت،  
با توجه به  
علاقه و نگرش‌ها  
و ادراک‌هایشان،  
محتوا یا  
موضوعی‌های  
متفاوتی برای  
مطالعه  
بر می‌گزینند

## تاریخ عمومی و نسبت آن با تاریخ تربیت

تاریخ به‌طور کلی و مباحث و مطالبی که به‌طور اعم در مورد آن مطرح شد، به‌طور اخص در مورد تاریخ تربیت مصداق دارد. از این نمونه است اهمیت بینش مورخ و درک ضرورت‌ها، داشتن صداقت در بیان مطالب. واقع‌گرایی. تلاش برای یافتن مدارک و اسناد معتبر. نقد مدارک و اسناد و تلاش برای تحلیل داده‌ها و جز این‌ها، که در سطور پیشین به برخی از این‌ها اشاره شد.

### پرسشگری در تاریخ تربیت

در پژوهش‌های تاریخ تربیت نیز مانند تاریخ عمومی مهم‌ترین عنصر پرسش‌هایی است که پژوهشگر مطرح می‌کند. اگر این‌جا نیز پرسش نباشد تاریخ تربیت جز اطلاعات پراکنده درباره دوره‌ای از تاریخ و موضوعی از تربیت چیز دیگری نخواهد بود. برای نمونه، اگر پژوهشگر بخواهد درباره وضعیت معلمان در یک دوره تاریخی به پژوهش بپردازد بی‌گمان لازم است پرسش‌هایی از این‌سخت مطرح کند: چه کسانی وارد دستگاه تربیتی می‌شدند؟ شرایط ورود چگونه بود؟ چه مهارت و دانش‌هایی برای ورود وجود داشت؟ آیا آموزش می‌دیدند؟ اگر پاسخ مثبت است چه نوع آموزش‌های می‌دیدند؟ چه کسانی به معلمان آموزش می‌دادند؟ در کجا آموزش می‌دیدند؟ به چه مهارت‌هایی مجهز می‌شدند؟ چگونه از مهارت‌های کسب شده آن‌ها ارزیابی به عمل می‌آمد؟ در کل چه منزلت اجتماعی در جامعه داشتند؟ چگونه زندگی می‌کردند؟ حین خدمت چه آموزش‌هایی می‌دیدند؟ پس از پایان خدمت چه نوع زندگی داشتند؟ بی‌گمان به دنبال هر یک از این پرسش‌ها، پژوهشگر چراهایی نیز مطرح می‌کند که همین چراها هستند که پژوهشگر به نتیجه‌گیری رهنمون می‌شود و از آن‌ها برای نظامی تربیتی امروز درس‌هایی می‌آموزد. جای تأسف است که در اکثر تاریخ‌هایی که در کشور ما نوشته شده است کمتر به این پرسش‌ها پرداخته شده است یا به چراهایی پاسخ داده شده است.

### دوره‌های تاریخ تربیت

چون در این بحث سخن از تاریخ تربیت در ایران است می‌توان تاریخ اجتماعی ایران را به دوره‌هایی تقسیم کرده و وضعیت تربیت و تعلیم را در هر یک از این دوره‌ها مطالعه کرد: دوران باستان، دوره پس از اسلام (ایرانی اسلامی) و دوره معاصر، یعنی از دوره قاجارها به بعد. می‌توان تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز در نظر گرفت. این امر بستگی دارد به ضرورت‌های جامعه امروز و نگاه و علاقه تاریخ‌پژوه.

### موضوع‌های تاریخ تربیت

افزون بر دوره‌ها، تاریخ‌پژوهان تعلیم و تربیت، با توجه به علاقه و نگرش‌ها و ادراک‌هایشان، محتوا یا موضوعی‌های متفاوتی برای مطالعه بر می‌گزینند. این کار افزون

برعلاقه‌های شخصی تاریخ پژوه، به درک و بینش وی از نیازهای جامعه بستگی دارد. به چند نمونه از موضوع‌های تاریخ تعلیم و تربیت اشاره می‌کنم. عیسی صدیق کتاب تاریخ فرهنگ ایران را با توجه به دوره‌های تاریخی تألیف کرده است: فرهنگ در ایران پیش از اسلام؛ از صدر اسلام تا نیمه قرن سوم؛ از نیمه قرن سوم تا استیلای مغول؛ از استیلای مغول تا ظهور صفویه، عصر صفویه؛ از تاج‌گذاری نادرشاه تا تأسیس دارالفنون؛ از تأسیس دارالفنون تا زمان پهلوی‌ها.

روش‌های علمی جدید می‌تواند در رسیدن به دانش و آگاهی‌های ژرف، پژوهشگر را یاری رساند

در هر دوره پس از اشاره مختصر به اوضاع بیشتر سیاسی هر دوره به وضعیت آموزش و پرورش پرداخته است. در توضیح وضعیت تربیت کوشیده است پنج نکته مهم تربیت (از نظر وی) را توضیح دهد:

۱. منظور از تربیت چه بوده است؟
۲. برنامه تربیتی چه بوده است؟
۳. روش تربیتی چه بوده است؟
۴. چه سازمان تربیتی برپا بوده است؟ چه نتیجه‌ای حاصل شده است؟

در نقد آثار تاریخ تعلیم و تربیت ایران به چونی و چندی این کتاب هر چند مختصر خواهیم پرداخت. این‌ها مؤلفه‌های تربیت است که البته امروز بیش از این‌هاست. یکی از راه‌های نوشتن تاریخ توجه به مؤلفه‌های تربیت در دوره‌های گوناگون است. موضوع‌های بسیار دیگری می‌تواند موضوع تربیت قرار گیرد. برای آگاهی بیشتر در زمینه موضوع‌ها و گستره تاریخ آموزش و پرورش در دوره معاصر، ر.ک. وضع کنونی تاریخ آموزش و پرورش: آنتوان لئون (۱۳۸۰)، فصل دوم).

## روش‌های تاریخ پژوهی تربیتی

تاریخ تربیت زیرمجموعه علوم انسانی است و مثل این علم باید از روش‌های پژوهش علوم انسانی در پژوهش‌های تاریخ تربیت بهره جست. امروز این روش‌ها نسبت به زمان‌های پیشین بسیار پیشرفت داشته است. روش‌های علمی جدید می‌تواند در رسیدن به دانش و آگاهی‌های ژرف، پژوهشگر را یاری رساند.

## برخی از کاستی‌های تاریخ پژوهی تربیتی در ایران معاصر

در تاریخ پژوهی تربیتی افزون بر کاستی‌های پژوهش‌های تاریخی به طور عام کاستی‌های ویژه این رشته نیز مطرح است. برخی از آن‌ها به این شرح است:

کاستی در منابع تاریخ آموزش و پرورش. در مقایسه با پژوهش‌های تربیتی، شمار پژوهش‌های تاریخ تربیتی و منابع آن بسیار کم است. نخستین کتابی که در این زمینه تألیف شد مربوط به سال ۱۳۴۲ ش و با عنوان «تاریخ فرهنگ ایران: از آغاز تا زمان حاضر

است» این کتاب را عیسی صدیق استاد دانشگاه تهران تألیف کرد و سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی (دانش‌سرای عالی و دانشگاه تربیت معلم بعدی) آن را چاپ کرد. این کتاب به‌منظور تدریس در مراکز تربیت معلم تدوین شد و سال‌ها در این مراکز تدریس می‌شد. می‌توان گفت چند کتاب دیگری که در این زمینه منتشر شده است کم و بیش به تقلید از این کتاب و گاهی رونویسی از آن بوده است، یا کتاب‌هایی بوده است که از نظر محتوا و روش تحقیق چندان ژرفایی نداشته است و پرسشگرانه هم نبوده است. کتاب تاریخ فرهنگ ایران همان‌گونه که خود نویسنده در آغاز اشاره داشته است فقط طرحی است که باید در آینده به طور مبسوط و به همت استادان تربیت تکمیل شود شوربختانه آرزوی ایشان هنوز محقق نشده است و از آن‌زمان تا امروز پژوهش‌های مستقل تاریخ آموزش و پرورش که دارای جامعیت باشد منتشر نشده است. کتاب‌ها و پژوهش‌هایی که در این زمینه چاپ شده است بیشتر به موردها یا مؤلفه‌ای از آموزش و پرورش اختصاص دارد. مانند: تاریخ آموزش و پرورش استان‌ها یا برخی از شهرها که اغلب کتاب‌هایی هستند توصیفی و بدون پرسش و تحلیل تاریخی. این کتاب‌ها می‌توانند به عنوان پاره‌ای از منابع آموزش و پرورش تاریخ آموزش و پرورش ما مورد استفاده قرار گیرد، یا کتاب‌هایی هستند که یک موضوع یا مؤلفه‌ای را در نظر داشته‌اند. لازم است در آینده تصویر و اطلاعات دقیق و تحلیلی در این مورد و موارد دیگر صورت گیرد تا چندی و چونی منابع مربوط به تاریخ آموزش و پرورش کشور در دوره معاصر کاویده شود و برای بهسازی این وضع طرح‌ها و پیشنهادهایی ارائه گردد.

بسیاری از منابعی که درباره تاریخ آموزش و پرورش نوشته شده است پرسش تاریخ یا تربیتی ندارد و فاقد تحلیل‌های تربیتی و اجتماعی است. در بهترین وضع این منابع را می‌توان به عنوان داده‌های اولیه مورد استفاده قرار داد.

موضوع‌های مورد بحث در بیشتر منابع محدود است و از گستره وسیع برخوردار نیستند. به برخی از موضوع‌های مهم چون چگونگی آموزش و پرورش روستایی یا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یا پرداخته نشده یا شمار منابع در این زمینه‌ها بسیار محدود است. این در حالی است که در حال حاضر در آموزش و پرورش صدها مسئله داریم که کشف تاریخی این‌ها می‌تواند برخی از کاستی‌های موجود را کاهش دهد.

روش‌های تحقیق چندان پیشرفته و ژرف‌نگر در این منابع دیده نمی‌شود. اغلب توصیفی و گزارش‌هایی از این نوع هستند. گفتنی است در کتاب‌های روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رشته‌های وابسته مانند روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، یا به روش‌های تحقیق‌های تاریخی پرداخته نشده است یا روش‌های مطرح شده بسیار معدود و کم‌عمق هستند. گویی تدوین‌کنندگان این منابع تنها برای جور شدن موضوع‌هایشان اشاره‌ای هم به تاریخ‌نویسی و روش‌های آن داشته‌اند.

## کاستی در نگاه دست اندرکاران تربیتی به تاریخ آموزش و پرورش

بسیاری از دست‌اندرکاران آگاهی‌های لازم از تاریخ آموزش و پرورش کشور ندارند. چه آنانی که تصمیم‌گیری می‌کنند چه آنانی که برنامه‌ریزی می‌کنند و چه کسانی که کتاب تألیف می‌کنند و چه افرادی که کارهای اجرایی انجام می‌دهند. نگاهی به رشته‌های تحصیلی این افراد و محتوای درس‌هایی که در دوره‌های تحصیلاتشان داشته‌اند، نشانگر این واقعیت است. نه تنها در این زمینه تحصیلاتی نداشته‌اند بلکه چه در دوره تحصیلی و چه خارج از آن خود نیز مطالعاتی یا در این زمینه نداشته‌اند یا بسیار اندک بوده است. گرچه یکی از دلایل این وضع می‌تواند نبودن منابع مناسب در این زمینه باشد اما منابع مناسبی هم که وجود دارد کسی آن‌ها را نمی‌خواند. نمونه‌ای نه‌چندان امیدبخش را یادآور می‌شوم:

کتاب «مدارس جدید در دوره قاجار: بنیان و پیشروان» (۱۳۷۷)، تألیف نگارنده این سطور، که از سوی انتشارات نشر دانشگاهی در سه هزار نسخه منتشر شده است. حاصل حدود ده سال پژوهش و پایان‌نامه دکترای نگارنده است. کتاب با حدود سیصد منبع و در بسیاری موارد منابع کمیاب و دست اول تألیف شده است. در این کتاب نام نزدیک به هزار و هشتصد تن و نام حدود هزار مدرسه آمده است و از جمله کتاب‌های منتخب در زمینه تاریخ است و از این باب جایزه‌هایی هم به نگارنده تعلق گرفته است. تأسف بار است که بگویم از سه هزار نسخه این کتاب هنوز هزار و پانصد نسخه به فروش نرفته است! گرچه این وضع می‌تواند دلایل گوناگون داشته باشد اما هر چه باشد دست‌کم یکی از دلایل آن کم‌علاقه بودن دست‌اندرکاران دستگاه تربیت ما به کتاب‌های تاریخ آموزش و پرورش است. این وضع بی‌گمان در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آن‌ها دشواری‌هایی به وجود می‌آورد که آورده است. بی‌سبب نیست که بسیاری از طرح‌های ریز و درشت آموزشی کشور ما جوهرش خشک نشده ابتر می‌مانند. یکی از دلایل این وضع همانا ناآگاهی دست‌اندرکاران از زمینه‌ها و پیشینه کار است که یکی هم تاریخ آن موضوع است.

## کاستی در آموزش تاریخ آموزش و پرورش

از زمانی که مراکز تربیت‌معلم در ایران تأسیس شد درس تاریخ آموزش و پرورش یا تاریخ فرهنگ و آموزش و پرورش تطبیقی از جمله درس‌های این مراکز بوده است. اما این درس‌ها به دلایل گوناگون چندان جذابیتی برای دانشجویان نداشته است. عمده‌ترین دلیل این وضع هم به نظر نگارنده نبودن یا کمبود منابع کافی و استادان آگاه و روش‌تدریس این درس بوده است. البته وضعیت نظام آموزش عالی و نظام آموزش عمومی عامل عمده در این وضعیت بوده است.

## درس تاریخ و تاریخ آموزشی در نظام آموزشی ایران

همچنان که اشاره شد یکی از موضوع‌های مطالعات تاریخ آموزش و پرورش برنامه‌های درسی و رشته‌ها و موضوع‌هایی است که در دوره‌های تاریخی و در نظام‌های آموزشی مورد توجه بوده است. از این نمونه است درس تاریخ که از دیر باز در مدارس ما آموزش داده شده است. این موضوع درسی هم از نظر محتوا و هم از نظر روش تدریس و نگاه تاریخی با کاستی‌هایی روبه‌رو بوده است (مجموعه مقالات آموزش تاریخ در مدارس ایران، ۱۳۹۵). همچنان که خرده‌گیران به تاریخ‌نگاری اشاره داشته‌اند و به برخی از آن‌ها اشاره‌هایی شد و اگر از استثناها بگذریم، در بیشتر دوره‌های تاریخی نه کتاب تاریخی مناسب زیادی داشته‌ایم و نه روش آموزش مناسب درس تاریخ. بسیاری از ما از درس تاریخ و جغرافیا خاطره‌های چندان خوبی نداشته‌ایم. شاید یکی از دلایل این وضع هم نداشتن کتاب‌های تاریخی مناسب و هم نداشتن تجربه‌های آموزش تاریخ شیرین بوده است. اما هر چه باشد نقش آموزش و پرورش در نحوه آموختن تاریخ و لذت‌بخش ساختن آن، بسیار مهم بوده است. وقتی به گذشته برمی‌گردم و دوره‌های تحصیلی ابتدایی و متوسطه‌ام را مرور می‌کنم دلیل بی‌انگیزه بودنم را چیزی نمی‌یابم جز دو عامل عمده: محتوای نامناسب و خشک و بی‌روح بودن درس تاریخ و روش آموزش نامناسب معلمانم. و در برخی موارد هم ناآگاهی و نداشتن بینش و بصیرت در معلمان درس تاریخ. اما در دوره‌های دانشگاهی با برخی از استادانی آشنا شدم که روش تدریس و بینش و آگاهی‌شان از تاریخ، تاریخ‌خوانی و تاریخ‌پژوهی و تاریخ آموزش و پرورش را برای من لذت‌بخش کردند. (این‌ها همان نادر تاریخ آموزش و پرورش ما هستند). از آن به بعد بود که کشف واقعیت‌های تاریخی به‌ویژه در زمینه تاریخ آموزش و پرورش برایم دارای اهمیت شد. هنوز هم در این راه می‌اندیشم و به پژوهش مشغولم. درس تاریخ می‌تواند درس لذت‌بخشی باشد. ما در کشورمان نمونه‌هایی از این کلاس‌ها و مدرسه‌ها را داشته‌ایم.

**پایان سخن.** در این نوشته کوشیدیم به جستارهایی از تاریخ‌پژوهی و تاریخ آموزش و پرورش و تاریخ‌آموزی بپردازیم. هم‌چنان که از عنوان این نوشته پیداست بحث‌هایی که مطرح شد نیاز به توسعه و پژوهش مداوم دارد تا به مدد آن بتوانیم در درجه نخست منابع معتبر گسترده در زمینه تاریخ عمومی و تاریخ آموزش و پرورش فراهم آوریم و بر مبنای آن‌ها، محتوا و روش تدریس مناسب کشف و انتخاب کنیم و پایه‌پای آن بکوشیم معلمان فرهیخته و تاریخ‌شناس تربیت و تأمین کنیم. این به شرطی امکان‌پذیر است که در درجه نخست نگاهمان به مفهوم تاریخ و تاریخ آموزش و پرورش و اهمیت و ضرورت آن تغییر کند و برخی از نکاتی که در این نوشته اشاراتی به آن‌ها شد بیش از پیش کاویده شده و نقد گردد تا دامنه پژوهشی این بحث‌ها گسترش یابد. امر مهم دیگر این است که آموزش تاریخ و تاریخ آموزش و پرورش را در مراکز تربیت‌معلم متحول سازیم.

## منابع

۱. آریان پور، امیر حسین (۱۳۵۷). *در آستانه رستاخیز*. تهران: امیر کبیر.
۲. آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد (۱۳۹۲). *تاریخ آموزش و پرورش ایران: باتاکید بر تحولات تربیتی دوره معاصر*. تهران: انتشارات سمت.
۳. اب‌اشپولر، ک. کاهن. جی. آ. بویل. رج. آربری. آ. ک. س. لمبتون. ح. فرمان فرمائیان. م. ای. یاب. گ. ای. ویلر. ن. رکدی. ه. ر. رونمر. تاریخنگاری در ایران (مجموعه مقالات). ترجمه و تدوین: یعقوب آژند. تهران: نشر گستره.
۴. توین بی، آرئولد (۱۳۷۰). *مورخ و تاریخ*. (حسن بامشاد، مترجم). تهران: انتشارات خوارزمی (نشر اصلی اثر ۱۹۷۴ م)
۵. چاپلد، گوردن (۱۳۵۵). *تاریخ: بررسی نظریه‌هایی درباره تاریخ‌گرایی*. (محمد تقی فرامرز، مترجم). تهران: مازیار (نشر اصلی اثر ۱۹۴۷).
۶. روستا، جمشید؛ روح بخش، رحیم (۱۳۹۸). (کوشندگان). *مجموعه مقالات چهارمین همایش آموزش تاریخ در مدارس ایران (۲ ج)*. انجمن ایرانی تاریخ. تهران: نگارستان اندیشه.
۷. زرین کوب، عبدالحمید (۱۳۵۴). *تاریخ در ترازو: درباره تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*. تهران: امیر کبیر.
۸. سجادی، سید صادق؛ عالم زاده، هادی (۱۳۷۵). *تاریخ‌نگاری در اسلام*. تهران: انتشارات سمت
۹. صفوی، امان‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ آموزش و پرورش ایران: از ایران باستان تا ۱۳۸۰*. همراه با معرفی کلیه وزرای علوم و معارف، فرهنگ و آموزش و پرورش. تهران: انتشارات رشد.
۱۰. عبدالرحمن بن خلدون (۱۳۵۲). *مقدمه ابن‌خلدون (۲ ج)*. (پروین گنابادی، مترجم). تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۱. عیسی، صدیق (۱۳۴۲). *تاریخ فرهنگ ایران: از آغاز تا زمان حاضر*. تهران: سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی
۱۲. فاضلی، طوبی؛ روحبخش، رحیم (۱۳۹۵). (کوشندگان). *مجموعه مقالات دومین همایش آموزش تاریخ در مدارس ایران (۲ ج)*. انجمن ایرانی تاریخ. تهران: نگارستان اندیشه.
۱۳. فروغی، محمد حسین؛ نعمتی، رضوان (۱۳۹۶) (کوشندگان). *مجموعه مقالات سومین همایش آموزش تاریخ در مدارس ایران*. ایران. انجمن ایرانی تاریخ. تهران: نگارستان اندیشه.
۱۴. قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). *مدارس جدید در دوره قاجار: بنیان و پیشروان*. تهران: نشر دانشگاهی.
۱۵. گاستون؛ ویال، ژان (۱۳۷۰). *تاریخ جهانی آموزش و پرورش: سال‌های ۱۸۱۵-۱۹۴۵* (۲ ج) (محمد رضا شجاع رضوی، مترجم) مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی.
۱۶. گال، رژه (۱۳۴۹). *تاریخ تربیت*. (محمد مشایخی، مترجم). تهران: چاپخانه زیبا.
۱۷. گروه دیدگاه / حوزه حکمت و فلسفه. *تاریخ از منظر قرآن و فلاسفه*. خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۰۵/۰۱. ۰۱:۳۰.
۱۸. لئون ف آنتوان (۱۳۸۰). *وضع کنونی تاریخ آموزش و پرورش*. (علی محمد کاردان، مترجم). تهران: پژوهش‌کده تعلیم و تربیت.
۱۹. مستوفیان، شیفته؛ حبیب، سوزان (۱۳۹۷). *تاریخ و جغرافیای درس‌های دوست داشتنی*. در: *توران میرهادی از نگاه شاگردان و معلمان مدرسه فرهاد*. (مجموعه مقالات). (ص ۳۹-۴۶). تهران: شرکت انتشارات آموزش و نوآموز.
۲۰. مطهری، مرتضی (بی تا). *جامعه و تاریخ*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. هالت کار، ادوارد (۱۳۵۶). *تاریخ چیست؟* (حسن کامشاد، مترجم). تهران: انتشارات خوارزمی
۲۲. یاسپرس، کارل (۱۳۶۳). *آغاز و انجام تاریخ*. (محمد حسن لطفی، مترجم). تهران: انتشارات خوارزمی. (نشر اصلی اثر، ۱۹۴۹ م).

## منابع انگلیسی

- Leon, Antoin. (1985). *The history of education today*. UN, Uesco.
- Lowe, Roy. (2000). *History of education: Major themes (vol, 1), debates in the history of education*. London and New York, Routledge Falmer.